

## مؤسس و پیشوایان اهل حق\*

### اسماعیل قبادی

#### ۱- بهلول

خوشین) این مسلک را ابتداءً به عنوان مؤسس رواج داده است. قریب به این مضمون یکی از افراد این فرقه در کرمانشاه می نویسد: «این مسلک ابتداءً در قرن چهارم توسط شخصی به نام مبارک شاه به عنوان سلطان طریقت در لرستان رواج یافته، محل تولد و دفن شاه خوشین مشخص نیست اگر چه همه شاخه های اهل حق اتفاق دارند محل ظهور و فعالیت او در لرستان بوده و بسیاری از این فرقه معتقدند بنیانگذار اولیه این فرقه وی بوده است».

این فرقه از پیشوایان خود بیشتر تحت عنوان «سر سلسله» یا «دوده» و یا «خانندان سادات» نام می برند و از ظهور اولیه این سر سلسله ها تاریخ دقیقی در دست نیست اما برخی از افراد فرقه اهل حق بر آنند که سر سلسله یا پیشوایان اولیه را نیز معرفی نمایند. مثلاً در گذشته بیان کردند که در قرن دوم اسرار یارستان در سینه بهلول نامی و یارانش محفوظ بوده<sup>(۱)</sup> و تا قرن هفتم هجری آن اسرار دست به دست به یکدیگر سپرده شده است.

#### ۳- سلطان اسحاق (سهاک)

بعضی گفته اند: سلطان اسحاق با وعده شاه خوشین در ۵۸۰ هجری ظهور نموده است.<sup>(۲)</sup> پیش از این در باره محل ظهور و دفن

#### ۲- مبارک شاه

در افواه عامه مردم به ویژه مناطقی از استان لرستان نقل می کنند که در قدیم الایام شخصی به نام مبارک شاه (ملقب به شاه

\* قسمت اول این مقال در شماره مسلسل ۱۴ چاپ شد.

۱- نامه سرانجام «دوره هفتانه»، گردآورنده: صدیق صفی زاده، تهران، ۱۳۲۵.

۲- ر.ک: قاسم افضلی، مکاتبات با سازمان دایرة المعارف تشیع.

وی و اهمیت او در میان پیروان فرقه اهل حق مطالبی را آورده بودیم .

پیروان شاه خوشین به نهصد، نهصد غلامان موسوم اند؛ مشاوران و یا یاران مخصوص وی به نام کاکا ردایی - جلوی - میر زرد - شهریار معروف اند و از آنها به عنوان چهار تنان زمان شاه خوشین نام برده می شود و بعضی را اعتقاد آن است که شاه خوشین جانشین بعد از خودش را چنین وعده داده است: «... و وعده فرموده بود که پس از رحلت روح ذاتی شاه خوشین به وجود و جسم شخصی به نام سهاک تجلی ذاتی خواهد نمود»<sup>(۱)</sup>.

عده ای ظهور اولیه سر سلسله ها را قرن دوم، و بعضی قرن چهارم و عده ای دیگر قرن هفتم و هشتم و برخی نیز قرن نهم و دهم ذکر کرده اند. از مطالعه دفاتر صاحبان آیین اهل حق و نوشته های پراکنده خود فرقه و همچنین تتبع کتب تحقیقی که راجع به فرقه مذکور از ناحیه خاورشناسان خارجی نوشته شده و همین طور از تحقیقاتی که نویسندگان ایرانی انجام داده اند چنین می نماید که این مسلک

ابتداءً از همان تصوف مخلوط و التقاطی توسط مرید پیروان آن روزگار به وجود آمده باشد و افرادی هم کار فکری مرشدان خود را دنبال نموده باشند و با عناوین درویش - مرید و مراد - مرشد و یا صوفی ظهور نموده و به تدریج به صورت مسلکی و تحت عنوان سر سلسله هایی در آمده باشند. مثلاً، مریدان سلطان اسحاق در باره او به عنوان کسی که فرقه اهل حق را تأسیس نموده و آن را به صورت آیین در آورده، سخنان بسیار گفته اند و مطالب افسانه ای و اساطیری نیز نقل کرده اند که در اینجا مجال ذکر آنها نیست.<sup>(۲)</sup>

دوران کودکی و تحصیلات سلطان

اسحاق کمتر بیان شده است از نظر پیروان این فرقه، سلطان اسحاق از کسانی است که به مکتب نرفته و علم ذاتی داشته و محلّ تجلی ذات بوده است، اما بعضی از متون منسوب به آنها خلاف این را می گوید.<sup>(۳)</sup>

علاوه بر سلطان اسحاق، از پیشوایانی دیگر در میان این فرقه به عنوان «پیر طریقت»؛ «پیر حقیقت» و یا «دلیل حقیقت» نام برده می شود که در حکم پیشوایان مقدّس و دارای

۱- قاسم افصلی، مکاتبات با دایرة المعارف تشیع .

۲- ر. ک. همان مدرک .

۳- در «بحر الأنساب رساله سادات برزنجه» (یادداشت های دست نویس کاکاردانی) عبدالقادر محمد آمده است: سلطان اسحاق در هنگام کودکی در نزد ملا الیاس شهرزوری (منطقه ای از کردستان عراق فعلی) در خانقاه سرگرم فرا گرفتن دانش شده و در جوانی به بغداد رفته و در نظامیه بغداد دانش پژوهی خود را دنبال و پس از آن به «دمشق» رهسپار و در آنجا تحصیلات خود را به پایان رسانیده است .

## هفت تن

برخی آورده اند که هفت تن از یاران اولیه سلطان اسحاق - به عنوان هفت سر سلسله - عبارت بودند از:

۱- خاندان شاه ابراهیم، (فرزند سید محمد گوره سوار که فعلاً به شاه ابراهیمی ها معروف اند).

۲- خاندان سید ابوالوفا، (که در منطقه کردند، سید خاموشی را متعلق به آن می دانند ولی چنین خاندانی در منطقه «بوالوفا» کوهدشت تحت همین نام معروف بوده که محل دفن شخصی بنام سید ابوالوفا از نوادگان سید محمد کرکوکي یا شهر زوری است و در حال حاضر مردمی که معروف به «بوالوفا» در آن منطقه هستند همگی شیعه و متدین بوده و هیچ خبری از آداب و رسوم اهل حق در میان آنها نیست).

۳- خاندان عالی قلندر، (دراویش قلندری منطقه کردند و استان کرمانشاه منسوب به او هستند، و محل دفن وی بنابه قولی در کوههای مشرف به سراب قلعه زنجیر قلخانی (کرنند) بوده اما به نظر می رسد قبر وی در روستای «اولاد قباد» در ۲۴ کیلومتری کوهدشت بوده باشد).

۴- خاندان سید میر سور.

۵- خاندان بابا یادگار، (افراد این شاخه در

تجلی به شمار می روند و تمام اقوال و نوشته های آنها حجت قطعیه فرض گردیده است. غالباً از سروده ها و مکتوبات این پیشوایان به عنوان «دفتر»، «نامه سرانجام مینوی» یاد می کنند و معمولاً در نزد اشخاص خاصی که وارث سر سلسله های قدیم بوده و به عنوان «دوده» و «دیده دار» بین اهل حق معروفند حفظ و نگهداری می شود و عاقله مردم از محتوای آنها بی خبر بوده و فقط با نقل چنین اشخاصی از آن مطلع می شوند. آنان معتقدند، این نوشته ها هر يك سرّی از اسرار «آین حقیقت» محسوب شده و شایسته نیست در اختیار مردم قرار بگیرد.

## جانشینان سلطان اسحاق و دیگر پیشوایان اهل حق

گفته اند: سلطان اسحاق برای تشکیلات این فرقه جانشینانی تعیین و برای هر يك از آنها وظیفه ای مقرر نمود و به هر يك - بنابه تناسب وظیفه شان - القاب مخصوص داده است. در ابتدا «پیر بنیامین» را به سمت «پیری» و «داود» را به سمت «دلیل» برای همه اهل حق منصوب نموده است و چون این دو نفر برای جانشینی و تداوم رهبری اولاد وی نداشتند هفت نفر از یاران خود را به عنوان هفت خاندان یا هفت سر سلسله اهل حق به پیروانش معرفی کرد که پس از آن به «هفت تن» معروف شدند.

منطقه کردند و کرمانشاه ساکن اند).  
 ۳- خاندان شاه حیاسی (ایاز) که معروف  
 به درویش بوده و برخی از افراد متعلق به این  
 شاخه در اطراف «صحنه» وجود دارند ظاهراً  
 امثال نعمت الله جیحون آبادی جزء این شاخه  
 بوده اند.

۶- خاندان سید مصطفی .  
 ۷- خاندان حاجی بوعلی (سید  
 باویسی).  
 برخی دیگر هفت تن را چنین معرفی  
 کرده اند: (۱)

۱- پیر بنیامین، ۲- داود، ۳- پیر موسی،  
 ۴- مصطفی قهار، ۵- خاتون رزبار، ۶- شاه  
 ابراهیم، ۷- بابا یادگار.  
 یکی دیگر از سر سلسله های اهل حق به شمار  
 می روند.

و در قرون بعدی ۴ خاندان دیگر به عنوان  
 سر سلسله های الحاقی تشکیل گردیده اما از  
 ناحیه چه کسی منصوب شدند معلوم نیست،  
 این خاندانها عبارتند از:  
 ۱- خاندان آتش بیگی که فعلاً سر سلسله  
 معروف (یا پیشوای) آنها آبش و قبر آن در  
 حوالی هرسین کرمانشاه به نام «گره بان»  
 می باشد که در حال حاضر مشعشی ها از  
 میان این سرسلسله شناخته می شوند.

### «پیر» و «دلیل»

به طور کلی برای هر سر سلسله یا  
 شاخه ای از این فرقه دو مقام رفیع موجود است:  
 ۱- «پیر» ۲- «دلیل» .

و تا این دو مقام و یا نماینده آنها حضور  
 نداشته باشند سر سپاری ممکن نیست بدین

۲- خاندان ذوالنور که هم در منطقه کردند و  
 هم در ناحیه ای از لرستان (کوهدشت) افرادی  
 متعلق به این خاندان وجود دارند گر چه افرادی  
 که در منطقه کوهدشت به این نام معروف اند  
 همه شیعه و اهل عبادات و عامل به احکام  
 عبادی هستند.

۱- قاسم افضلی - مکاتبات با دایرة المعارف تشیع .

۲ ظاهراً این اتصال باعث کسب سیادت یا فضیلت شده و افراد الحاقی را اصطلاحاً «چسبیده» می نامند .

می کنند:  
 با اعداد آن هفت تن و هفتوان  
 بنا گشت هفت ارض و هفت آسمان  
 که هفت تن به معناست هفت آسمان  
 زمین گشت بر صورت هفتوان  
 سماء هفت بر هفت تن بسپرید  
 به روی زمین هفتوان آرمید<sup>(۴)</sup>

ولی ظاهراً در بعضی نوشته ها هفت تن را  
 با «هفتوان» و هفت هفتوان اشتباه گرفته و آنها را  
 به صورت های مختلف نقل می کنند؛ زیرا  
 اثری از زندگانی، محل تولد، محل تدفین و  
 محل زندگی و اولاد و جانشینان گروههای  
 مذکور در کتب مورد اعتماد مورخان دیده  
 نمی شود و هرچه هست صرفاً معرفی آنها به  
 صورت موهوم و مجمل از ناحیه افراد منسوب  
 به این فرقه است که موجب اختلاف در گفتار  
 گردیده است مثلاً بعضی اسامی هفت تن را  
 چنین آورده اند:

«هفت تن عبارتند از: پیر بنیامین، داود،  
 پیر موسی، مصطفی قهار، خاتون زربار، شاه

ترتیب هر خاندان یا هر شاخه ای از اهل حق  
 برای خودش «پیر» و «دلیل» خاصی دارد. به  
 اعتقاد اهل حق، همه پیشوایان این شاخه ها  
 دارای علم لدنی و محل تجلی ذات بوده اند و  
 پیش گوییهای آنها که معمولاً به صورت نظم  
 بوده تحقق یافته و یا به وقوع می پیوندند. اهل  
 حق، «پیر» و «دلیل» را در حد عصمت بالا  
 برده هر «دفتری» که منسوب به آنها باشد را  
 معتبر و جزء اسرار آیین خود می دانند.

اما برخی از آنان این اطلاق را قبول نداشته  
 و این تبعیت را قابل خدشه می دانند. یکی از  
 افراد این فرقه می گوید:

«قدرت کردگاری در وجودهای مختلف  
 ظهور نموده که بعد از حضرت سلطان سهاك  
 ۱۲ دوده<sup>(۱)</sup> و خاندان مرکز تجلی ذات و دیدار  
 بودند که از طرف مردم با پیروی از مکتب  
 «پردیوری»<sup>(۲)</sup> برگزیده شده و مطابق دستورات،  
 «دفتری» به آنها سرسپرده اند که «پیران» اصلی  
 این خاندانها هر کدام به نوبه خود محل تجلی  
 ذات و دارای کشف و کرامات بوده اند.<sup>(۳)</sup>

بعضی با اشاره به هفت تن و عده ای  
 دیگر به نام هفتوان آنها را چنین توصیف

۱- دوده یا دودمان به معنی خاندان آمده ولی ظاهراً منظورشان خاندانی است که از سادات نباشند.

۲- هر کجا اشاره به «مکتب پردیوری» «پردیور» و یا «دفتر پردیوری» می کنند ظاهراً منظورشان قوانینی است که به دست  
 سلطان اسحاق و یا در زمان وی پایه ریزی شده است.

۳- مجید القاضی، اندرز یاری، کتابخانه طهوری، تهران ۱۳۵۹.

۴- جیحون آبادی، حاجی نعمت الله، شاهنامه حقیقت «حق الحقائق»، ص ۷۰.

الف: بنیامین به عنوان «پیر» دو عالم و سمت او «پیر شرط» و سر حلقه هفت تن است. (۳)

ب: داود کبود سوار (کوسوار) به عنوان «دلیل» و راهنمای مؤمنان فرقه.

ج: پیر موسی قلم زرین، کاتب و وزیر سلطان اسحاق.

د: مصطفی داودان، به عنوان فرشته مرگ، دژحیم و قهار و سپاهسالار. و: شاه ابراهیم.

ه: بابا یادگار به عنوان یادگار و مظهر حسین بن علی - علیه السلام -.

ی: پیر رزبار «فرشته» و به عنوان رمز حقیقت.

#### ۲- هفتوان (۴)

هفتوان عبارتند از: سید محمد، سید ابوالوفا، سید شاهدین، سید حبیب شاه، سید باویسی، سید میر و سید مصطفی. سید محمد گوره سوار، «پیر» و «سر حلقه» هفتوان است.

#### ۳- هفت هفتوان.

۴- چهل تن - چلانه یا چهل تنان زمان

ابراهیم، بابا یادگار» (۱).

وهفتوان را هم چنین معرفی می کند:

«اولین ولادت هفتوان در سنه ۶۰۲ هجری قمری به وقوع پیوسته است که از این اعجاز هفت فرزند به اسامی: سید محمد، سید عبد الوفا، سید شاهدین، سید حبیب شاه، سید باویسی، سید میر و سید مصطفی به وجود آمده است» و اضافه می کنند که این افراد به هفت پور سلطان معروفند و سیادت آنان به سلطان و نسبشان به خاندان حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله می رسد و این را دلیل سیادت تمام خاندانهای اهل حق گرفته اند؛ چون به قول یکی از افراد این فرقه، این هفت نفر (هفتوان) همگی به طور معجزه در اثر این که سلطان سهاک ۷ لقمه غذا را به خاتون بشیره خوراند این زن ملحق به خاندان سلطان شد و هفت فرزند به نام هایی که ذکر شد، به دنیا آورد. (۲)

### طبقات هشتگانه پیشوایان

طبق برخی از نوشته ها و افواه عامه، طبقات هشت گانه ای برای پیشوایان اهل حق است که شرح مختصر آنها عبارت است از:

#### ۱- هفت تن:

۱، ۲- قاسم افضلی، مکاتبات با دایرة المعارف تشیع، ص ۳-۶.

۳- همان مدرک.

۴- هفت وان به معنی همانند هفت تن است. اهل حق معتقدند اینان سمتهای هفت تن را داشته و مقام و منزلتی همچون هفت تن دارند.

سید براهه .

۵- هفتاد و دو پیر .

۶- شصت و شش تن غلامان .

۷- هزار و یکتن شاه صفت .

۸- غلامان بی حدّ و حصر .

بعضی از اشخاص به صورت موهوم و

خیال پردازی وبدون استناد به مدرک صحیحی

هفت هفت یار پر دیور را چنین معرفی

می کنند :

هفت سردار، هفت پیکار، هفت دسور،

هفت خلیفه، هفت سقا، هفت گوینده و

هفت سازچی . (۱)

## خلقت بشر به درخواست

### بنیامین

در برخی کتب متعلق به این فرقه آمده

است : «خداوند در عالم الست با شور و

مشورت بنیامین بشر را خلق کرده و بدین ترتیب

با خواهش وی خلقت صورت گرفته شده که

بشر در دنیا ظلم نکند و مرتکب گناه

نگردد» . (۲)

به همین خاطر از بنیامین به پیر شرط و

اقرار نام می برند جلسه شور و مشورت خداوند

و گفتگوهای او با بنیامین و داود و پیرموسی و

میرمصطفی در کتب اهل حق آمده و مردم بین

## مقام بنیامین در میان اهل حق

از میان طبقات هشت گانه، هفت تن و

پس از آن هفتوان به ترتیب مقرب و مقدم بر

سایر طبقات بوده و گاهی تعبیر می آورند که

آسمانها به هفت تن و زمینها به هفتوان

سرسپردند و به تعداد آنها خلق گردیده اند .

و از میان هفت تن، مقام بنیامین را به

عنوان «پیر شرط و اقرار» و «پیر ازلی» بسیار

مهم و مقدس می دانند و می گویند : پیر

۱- ر.ک : قاسم افضلی، مکاتبات با دایرة المعارف تشیع .

۲- پیر راد همان بنیامین است که گاهی از او به عنوان خضر شاهو نام می برند .

۳- نعمت الله جیحون آبادی (مجرم)، شاهنامه حقیقت (حق الحقائق) .

۴- ایوانف (روسی)، مجموعه رسائل اهل حق، ص ۱۴۶ .

چهار پیر شاه خوشین را نیز، کاکاردا، مرد ترک، بابا بزرگ و کره فقی معرفی کرده اند.

#### ۴- چهار پیر سلطان اسحاق

چهار پیر سلطان سهاک را بنیامین، داود، پیر موسی و رزبار معرفی می کنند.

#### ۵- چهار ملك مرتضى على ﷺ

چهار ملك حضرت على - عليه السلام - را به عنوان چهار ملك مرتضى على چنین معرفی کرده اند:

قنبر، سلمان، جابر و بلال. (۳)

یکی از نویسندگان اهل حق آورده است:

«بدیهی است تعریفی که در مورد تجلیات الهی در زمان های مختلف بیان گردیده نباید ذهن انسان را بر این نکته وادارد که چنین کسانی می بایست از اشتباه یا لغزش مصون بوده و بایستی نظریات آنان الی الأبد مورد قبول عامه باشد، چنین نیست زیرا ... این کسان با توجه به زمان و مکان خود بر دیگران برتری داشته و نظریه آنان برای زمانی که بوده اند مفید بوده، همان طوری که پیامبرانی در طول زمان ظهور نموده و حجت خدا را به مردم گفته اند». (۴)

خودشان این افسانه ها را به صورت داستان نقل می کنند که در اینجا ذکر آن را لازم نمی دانیم.

### هفت ایزدان

برخی از شاخه های اهل حق<sup>(۱)</sup> از «هفت تن» به عنوان هفت ایزدان یاد کرده و برای هر يك تعبیری نموده اند<sup>(۲)</sup> (تقریباً چیزی شبیه به تعابیر زرتشتیان از شش فرشته مقرب با اهورا مزدا «امشاسپندان»).

### طبقات چهارگانه پیشوایان

اهل حق «پیران» \* خود را به تقسیمات چهارتایی نیز دسته بندی نموده و برای آنها در هر دوره ای تعبیر خاصی دارند:

#### ۱- چهار پیر خاوندکار:

چهار پیر خاوندکار (خداوندگار) را به شرح زیر معرفی می کنند:

اسرافیل، میکائیل، عزرائیل و جبرائیل.

#### ۲- چهار پیر شریعت

چهار پیر شریعت عبارتند از:

محمد ﷺ، سلمان، قنبر و بلال.

#### ۳- چهار پیر شاه خوشین

۱- شاخه شاه حیاسی از خاندانهای الحاقی که فعلاً برخی از آنها در «صحنه» ساکن اند.

۲- ماشاء الله سوری، سرودهای دینی یارستان، ص ۱۶۸.

۳- ایوانف (روسی)، مجموعه رسائل اهل حق، ص ۱۴۶-۱۴۶.

۴- مجید القاضی، آیین یاری، کتابخانه طهوری تهران، ص ۱۵.



## مقبره سر سلسله ها و پیشوایان اهل حق

یکی دیگر از افراد این فرقه در مورد زیارتگاهها و قبر پیران می نویسد:

«... و آرامگاههای آنان چون سهاك - سید محمد گوره سوار - و داود در شیخیان اورامان \* و گنبد و بارگاه پیر بنیامین - پیر موسی - سید رضا بیگ ثانی - آسید اسماعیل در کزند \* گنبد و بارگاه بابا یادگار - سید درویش اصحاب زنگی معروف به داود و... در تنگ سرانه بان رزده (ریجاب) \* آرامگاه آسید براگه و یارانش و آسید یعقوب و غار سید خاموش در توت شامی گوران (کزند) \* آرامگاه تیمور دربان یاران گوران - آرامگاه آسید شمسالی بیگ در گوراجوب گوران - آرامگاه سید قلندر بیک در قلعه زنجیر قلخانی - آرامگاه آسید فرضی و شیخ امیر در روستای قزوینه صحنه \* آرامگاه بابا حیدر در کفرآور کلهر» (۲)

از ظهور پیشوایان اهل حق تاریخ دقیقی در دست نیست و هر کسی برای خورد تفسیرهایی از نحوه شکل گیری این سرسلسله ها دارد. همان گونه که نحوه انتصاب این سر سلسله ها هم آشکار نیست. بعضی از نویسندگان فرقه اهل حق، به این امر اعتراف کردند:

«برای ظهور پیشوایان مذهبی یا رستان و تحریر دفترها تاریخ دقیقی بر جای نمانده و علت بیشتر آن، بی سواد بودن است» (۱).  
اهل حق معتقدند که پیشوایانشان بی سواد بوده اند اما با این وصف دارای حلول و تجلی ذات حق بوده اند و شایسته رهبری هستند مثلاً نوروز که یکی از یاران سید براهه و طبق اعتقاد برخی دارای تجلی ذات بوده است چنین سروده است:

چند علم سنگین لدنی ونم

چند سر اسرار بی قیمت سندم

یعنی: چند علم مهم خدایی به من الهام

نده و به اسرار نهان واقف شده ام.

۱- معجد القاضی، آیین یاری، کتابخانه طهوری تهران، ص ۹.

۲- مکاتبات با دایرة المعارف تشیع، ص ۱۰.